مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای ، شماره۱۷ ، پاییز ۱۳۹۸جلد۱، ص ۲۸-۱۸
http://www.jase.ir

تحلیل رابطه گفتمان اخلاقی متن با شیوه بیان در "سمفونی مردگان"

نوشته عباس معروفی

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای (سال پنجم)
شماره ۱۷ / پاییز ۱۳۹۸ / ص ۲۸-۱۸

سولماز مظفری[۱]، بتول غلامی[۲]
[۱]دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان
[۲]دانشجوی ارشد آموزش زبان فارسی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید رجایی شیراز

نویسنده مسئول:
سولماز مظفری

چکیده
منتقد در خواندن متن ادبی با رویکرد نقد اخلاقی می‌تواند مضمون‌های اخلاق‌شناسانه و مفاهیم آن را با ساختار زیباشناسانه متن و در رابطه با گفتمان اخلاقی مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. داستان شباهت هنری خاصی به زندگی بشری دارد و شخصیت‌های داستانی در گفتمان اخلاقی در بطن داستان در تلاشند تا زندگی و بشر را در قاب و قالب واژگان و کنش و واکنش‌های رفتاری به نمایشی دلپذیر تبدیل کنند. پرسش پژوهش این است که نویسنده یک داستان ادبی چگونه درک اخلاقی خود و مخاطب را با شیوه ی بیان عمق می‌بخشد؟ در پژوهش پیش‌رو اصلی‌ترین مفاهیم اخلاقی که در کتاب سمفونی مردگان به چشم می‌خورد، یافته و به آن پرداخته شده است. شگرد معروفی در شناساندن شخصیت‌ها، بیان شخصیت‌پردازی و گفتمان اخلاقی است که یاریگر خواننده می‌شوند تا جنبه اخلاقی و غیر اخلاقی داستان را بشناساند. ستیز بین خیر و شر و سیاهی و سپیدی نیز در این رمان به چشم می‌خورد. تأثیر رفتار نادرست والدین و نگاه بیمارگونه‌ی آنها و حتی جامعه، زمینه ساز فساد اخلاقی افراد در این داستان است. کنش و واکنش‌های رفتاری و اخلاقی در داستان چندان پیچیده نیست و شگردهای نویسنده از جمله تکرار یاریگر او در معرفی این گفتمان به خواننده است. فضاسازی داستان نیز منطبق با فضای گفتمان اخلاقی رمان سرد و سیاه است.

کلیدواژه‌ها: گفتمان اخلاقی، شیوه بیان، اخلاق، سمفونی مردگان، عباس معروفی.

.

۱. مقدمه

ادبیات فارسی زمینه مناسبی برای بیان مضامین اخلاقی در قالب‌های مختلف بوده است. یکی از این قالب‌ها رمان است که عرصه‌ای برای نمایش جلوه‌های مختلف زندگی انسان است. نقد اخلاقی یکی از کهن‌ترین شیوه های نقادی است که ارزش‌های اخلاقی را با ملاک ارزیابی آثار ادبی قرار می‌دهد که در آن متون به لحاظ پایبندی یا عدم پایبندی به اخلاق و شئونات پسندیده مورد ارزیابی قرار می گیرد. نقد متن براساس دیدگاه‌های اخلاقی با این پرسش کهن آغاز می‌شود که آیا اثر ادبی ابزار اخلاق یا تربیت است یا خود هدف و غایت به شمار می‌رود؟ طرفداران نقد بر اساس اخلاق، ادبیات را وسیله‌ای برای نقد زندگی می‌دانند. در نقد متن بر اساس دیدگاه‌های اخلاقی، نویسنده معنای نهفته در متن را در مهارت و شگردهای زیبایی‌شناختی اثر جستجو می‌کند؛ حتی گاهی ممکن است گزاره‌های اخلاقی که از بیان شیوا و بلیغ نوشته به دست آید، تفاوت داشته باشد و درک همین تفاوت مرز خوانش منتقد را از مخاطبان دیگر در فهم متن تعیین می نماید. در هر حال منتقد اخلاقی نباید در ارزیابی خود از دنیای ادبیات و داوری‌های خاص آن فاصله بگیرد؛ زیرا هنگامی که اثری را به عنوان موجودیتی در دنیای ادبیات مورد مطالعه قرار می‌دهیم و آن را ادبیات تلقی می‌کنیم، اصلی‌ترین معیار ما ارزش‌های هنری و معیارهای ادبی خواهد بود و تردیدی وجود ندارد که این ارزش‌ها نه تنها نقطه مقابل بهره‌های اخلاقی موجود در اثر نیست؛ بلکه تاثیر اخلاقی‌اش را قوی‌تر خواهد کرد. (زرین کوب،۱۲۴:۱۳۹۳)

در این مقاله تحلیلی و توصیفی پژوهشگران بر این باورند که می‌توان رمان «سمفونی مردگان» نوشته عباس معروفی را با معیارهای اخلاقی مطابق با گفتمان اخلاقی مورد بررسی و تحلیل قرار داد. جامعه آماری این پژوهش را رمان سمفونی مردگان(۱۳۹۶) دربرمی‌گیرد که توسط نشر ققنوس به چاپ رسیده است.

۱-۱- پیشینه پژوهش

در تبیین پیشینه این پژوهش گفتنی است مقالات و کتاب‌های بسیاری در راستای این پژوهش صورت پذیرفته که برخی از آنها به عنوان منبع این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است. از جمله این کتاب‌ها و مقالات می‌توان به «مقاله بررسی کهن الگوهای به کار رفته در رمان سمفونی مردگان»(۱۳۹۱) به قلم محبوبه اطهری و سهیلا صلاحی مقدم اشاره کرد؛ اما با توجه به مشاهدات پژوهشگران گفتنی است این پژوهش بدیع و نو به نظر می‌رسد و تاکنون کتاب یا مقاله‌ای با این عنوان تدوین نشده است.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- چهارچوب مفهومی

اخلاق جمع خلق، روش‌های آدمی در کارهای روزمره است؛ شیوه‌هایی است که او برای زندگی انتخاب می‌کند و به آن‌ها متصف می‌شود. خواجه نصیرالدین طوسی در«اخلاق ناصری» خلق را اینگونه تعریف کرده است: «خلق ملکه‌ای بود نفس را مقتضی سهولت صدور فعلی از او بی احتیاج به فکری و رویتی و در حکمت نظری روشن شده است که از کیفیات نفسانی آنچه سریع الزوال بود را حال خوانند و آنچه بطیء الزوال بود، آن را ملکه گویند؛ پس ملکه کیفیتی بود از کیفیات نفسانی و این ماهیت خُلق است» (خواجه نصیر، ۱۰۱:۱۳۶۹). در قرآن کریم نیز تمام نیازهای انسان برای رسیدن به کمال خوشبختی بیان شده است. خداوند در سوره مبارکه شمس فرموده است: «قَدۡ أَفۡلَحَ مَن زَكَّىٰهَا/ وقدخابَ مَن دَسَّاهَا؛ هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار گشته و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته». (حیاتی،۱۳۹۴: ۱۲۲)

در پژوهش‌هایی که هدف تحقیق، استخراج یک نظریه اخلاقی از متن است، پژوهشگر دیدگاه‌های اخلاقی رویکردهای فلسفی آن را محور پژوهش قرار می دهد؛ چنان‌چه قراملکی در مقاله «جایگاه عشق در نظریه اخلاقی مولوی» (۱۳۹۰)این فرض را مطرح کرده است که نظریه اخلاقی مولوی ابعاد پنهانی دارد که می‌توان آن را کشف کرد و تلقی مولوی ازعشق، جایگاهی مبنایی دارد؛ یعنی علت عمدهٔ رذایل اخلاقی این است که انسان با پرشی ذهنی در گذشته و آینده اسیر یادها و آرزوها می‌شود و برای انطباق هویت خود با گذشته یا آینده مجبور است به صفات و افعال ناپسندی مثل دروغ، ریا، حسد و مانند آن روی آورد. عشق به واسطه تمرکز شدید بر امر لذت‌بخش آرزوهای خود را در آینده‌ای که هنوز نیامده، فراموش می‌کند و در حالی می‌زید؛ وقتی بهره ای در آینده ندارد، می‌تواند ایثار کند، گذشت کند، به هم‌نوع یاری رساند و مانند آن.

در تعریفی دیگر از اخلاق آمده است: «اخلاق از مجموعه بایدها و نبایدها تشکیل می‌شود و در جوامع مختلف ارزش‌های اخلاقی متفاوتند؛ البته پاره‌ای از اصول اخلاقی در جوامع گوناگون مشترک و مورد پذیرش همه است. در

جامعه اسلامی، حسن خُلق و پایبندی به اخلاق اهمیت فراوانی دارد و اتصاف به خُلق و خوی عظیم، سعه‌صدر و گشاده‌رویی از ویژگی‌های پیامبر اسلام و ائمه اطهار است. به‌طورکلی هدف غایی آفرینش کمال و قرب الهی است و این مهم با داشتن اخلاق حسنه میسر است.» بحث‌های اخلاقی از آغاز آفرینش بشر مطرح بوده است؛ حتی حضرت آدم(علیه السلام) مسائل اخلاقی را به فرزندانش آموزش داد، پیامبر اسلام(صلی الله علیه و اله و سلم) و امامان معصوم(علیهم السلام) همگی معلم اخلاق بوده‌اند. در کلامی دیگر: «اخلاق مربوط است به خود انسان؛ یعنی مربوط است به اینکه انسان به غرایز خودش چه نظامی بدهد، خودش را چگونه بسازد، نظام دادن به این غرایز را اخلاق می‌گویند.»(مطهری، ۱۳۹۵: ۳۱۷)

۱-۱-۲- گفتمان اخلاقی

برای تبیین گفتمان اخلاقی و روشن شدن مفهوم این مبحث به تئوری گفتمان اخلاقی هابرماس پرداخته شده است. تئوری گفتمان اخلاقی هابرماس شامل دو ویژگی متفاوت است؛ عنصر اول این شرط این است که اساس و بنیاد هر عقیده نیازمند پیش شرط مشارکت در یک مباحثه برای آزموده شدن اعتبار آن برای مبدل شدن به یک قاعده است. دوم اینکه عنصر دگرگون‌سازی طبیعت انفرادی حکم مطلق کانتی به ضرورتی اشتراکی از طریق باز سازمان‌دهی آن است تا بتواند از طریق بیان اراده‌ی کلی ضمانت شود و به نقشی در یک مباحثه ارتفاع یابد. در مقاله تئوری اخلاق گفتمانی هابرماس، استیون هوینیش بیان می کند: «این تئوری براساس اصل متمایز اخلاق گفتمانی شکل گرفته و مثابه اصل مباحثه در این گفتار او تصریح می شود که:«تنها آن قاعده ای قادر است مدعی اعتبار باشد که در مقابل بالاترین اندازه‌های تاثیرپذیری تصویب شود؛ درست مثل مشارکت در یک گفتگوی عملی».

۲-۱-۲- گفتمان اخلاقی متن با شیوه‌ی بیان

اساس نقد اخلاقی مبتنی بر تحقق این نکته است که آثار ادبی و هنر وسیله اخلاق و تربیت است یا اینکه خود هدف خویش به شمار می‌آید. بسیاری از خردمندان گذشته بر آن بودند که هنر تابع اخلاق باشد؛ به عبارتی دیگر نقد اخلاقی به نسبت دیگر انواع نقد سابقه‌ای طولانی‌تر و هواخواهان بیشتری تاکنون داشته است. با توجه به این مطلب می‌توان به دیدگاه ارسطو اشاره کرد که تاثیر جنبه اخلاقی آثار هنری در ذهن شنوندگان، خوانندگان یا بینندگان را مدنظر قرار می‌دهد. دیدرو معتقد است که: «گرامی داشتن تقوا و پست شمردن رذایل و نمایان کردن معایب باید هدف و غایت هر مرد شریف و آزاده‌ای باشد که قلم یا قلم موی حجاری به دست می‌گیرد»(همان ۱۳۷۰) و در عبارتی دیگر«انتقاد که رکن بزرگ ادبیات امروز دنیاست، بایستی من بعد از لحن امروزی خود که آلوده به آزار و رنجه ساختن طرف و احیانا افترا و دشنام است، احتراز جوید و پایه‌اش بر اصول فنی و اخلاقی نهاده گردد»(گلبن،۱۳۹۴: ۳۸۲) بهار بسیار تلاش کرد تا این اصول فنی و اخلاقی را پیدا کند و نقد ادبی را بر پایه آن محکم گرداند. وی بر این نکته تاکید دارد که انس و عادت و ذوق و سلیقه نمی‌تواند مبنای نقد یک اثر ادبی قرار گیرد. علوی مقدم در مقاله«شاعر متعهد کیست و شعر متهد چیست؟» بیان می‌دارد که: «آثار ادبی که از اخلاق بحث کرده باشد، ارزشمند است و شاعر متعهد سودمند است؛ زیرا سجایای اخلاقی و تعلقات فاضله در تامین سعادت بشر حائز اهمیت است و چنان چه اخلاقیات در جامعه‌ای وجود نداشته باشد، زندگی در آن جامعه همچون جهنمی خواهد بود.» بنابراین کار منتقد اخلاقی نیاز به تامل و تعمقی در معیارهای اخلاقی جامعه دارد.

۲-۲- اخلاق و ادبیات

هر اثرادبی و هنری زیبایی‌های خاص ذوقی، زبانی و موسیقایی دارد که مخاطب را تحت تاثیر و مجذوب خود می‌گرداند و توجه نکردن به هر کدام از این عناصر موجب می‌شود اثر ادبی یا مورد پسند قرار نگیرد یا نسبتا از مخاطبان آن کاسته شود. از سوی دیگر صاحبان هنر و ادب از تاثیرگذاری بالایی برخوردارند و مردم پیام یک اثر ادبی یا هنری را پیش از ارائه شدن آن به طریق دیگر درمی‌یابند. همچنین اگر هدف شاعر یا هنرمند فقط تعلیم و ارشاد باشد، دیگر عناصر اثر هنری یا ادبی کم‌رنگ می‌شود. بر همین اساس آثار ادبی و هنری جهان یکسان نیستند، همچنان که در کنار اصل «هنر برای هنر» شاهد روی آوردن شاعران و نویسندگان به ادبیات تعلیمی هستیم؛ اما با وجود این هم نباید فکر کرد که آثاری مانند بوستان، قابوس‌نامه یا مخزن الاسرار و دیگر کتاب‌ها در این مقوله دارای ارزش هنری نیستند. «بعضی ارزش اخلاقی را اصل و ملاک نقادی می‌شمارند. هر شعر و سخنی را که با حاکمیت و اخلاق مقرون و موافق باشد، می‌پسندند و می‌ستایند و هر آنچه را خلاف اخلاق و حکمت باشد، می‌نکوهند و رد می‌کنند.» (زرین کوب،۱۳۸۸: ۶۶-۶۷)

یکی از اصول مکتب کلاسیک نزاکت ادبی است؛ بنابراین همسو بودن با احوالات درونی مخاطبان، شالوده این مکتب است. ناصرخسرو شعری را می‌ستاید که مشمول دانش، اخلاق و حکمت باشد؛ همچنان‌که شاعرانی چون سعدی، حافظ، فردوسی و سنایی نسبت‌های اخلاقی را

مورد ستایش قرار می‌دهند و اخلاق و فضیلت را با هم عجین می‌نمایند. «به طور کلی در دنیا هیچ ادبیاتی نیست که سراپا موازین اخلاقی به مفهوم متداول آن منطبق باشد. اگر چنین نمی‌بود، ادبیات نمی‌بود. اخلاق به اقتضای طبع خود دایره‌ای محدود دارد و محافظه‌کار و کم‌تحرک است؛ در حالی که ادبیات قلمرو پهناور و سیالی دارد. اخلاق زندگی را آنگونه که هست، می‌پذیرد. ادبیات از آن‌گونه که هست، در می‌گذرد و به آن گونه که باید باشد، روی می‌برد. در این مورد، مکاتب مختلف دیدگاه‌های متفاوت دارند؛ افلاطون که سخت به آموزش و تربیت اجتماعی و به حکومت عقل و منطق معتقد است، شاعران را کسانی می‌داندکه در ذهن مردم آشوب می‌افکنند و شهوات و امیال را آبیاری می‌کنند. ارسطو نیز ملاحظات اخلاقی را از اندیشه خود دور نمی دارد و تاثیر تراژدی را ،که به عقیده او عالی‌ترین نوع شعر است، در آن می‌داند که هراس و شفقت را برمی‌انگیزد و در نتیجه موجب تهذیب و تزکیه نفس می‌شود.(اسلامی ندوشن،۱۳۷۰: ۳۲۳و۲۲۷) تولستوی می‌نویسد: در هنر جهان‌پسند همواره ملاک ثابت و معتبری با خویشتن دارد و آن ملاک ثابت و معتبر، معرفت دینی و روحانی است و تاکید می‌کند که هنر خوب باید افکار و عقایدی را القا کند که در آنها «جهات خیر و شر دینی و اخلاقی را که میان تمام امم و در همه اعصار مشترک است رعایت کرده باشد.(زرین کوب،۱۳۸۸: ۶۷) این یافته‌ها بیان می‌کند در بررسی کتب اخلاقی فارسی به این نکته مهم پی برده می‌شود که در بزرگ‌ترین کتاب‌های اخلاقی تا قبل از این عصر، سراسر کلام از نوع رفتار، انسان با خدا، انسان با خودش و نیز نوع رابطه‌اش با دیگران است؛ به عنوان نمونه دو کتاب کیمیای سعادت و اخلاق ناصری، با توجه به اینکه در دوره گذشته نوشته شده است، مملواز آموزه‌های اخلاقی مانند طهارت نفس، کسب معرفت، طلب علم، کسب روزی حلال و احترام به حقوق مردم است.

۲-۳- معرفی عباس معروفی

عباس معروفی، زاده اردیبهشت ۱۳۳۶ تهران، رمان‌نویس، نمایشنامه‌نویس، سراینده، ناشر و روزنامه‌نگار معاصر ایرانی مقیم آلمان است که فعالیت ادبی خود را زیر نظر هوشنگ گلشیری و محمدعلی سپانلو آغاز کرد و در دهه شصت با چاپ رمان سمفونی مردگان در عرصه ادبیات ایران به شهرت رسید. وی فارغ التحصیل هنرهای زیبای تهران در رشته ادبیات دراماتیک است و حدود یازده سال معلم در دبیرستان‌های هدف و خوارزمی تهران بوده است. وی همچنین بنیان‌گذار سه جایزه ادبی «قلم زرین گردون»، «قلم زرین زمانه» وجایزه ادبی «تیرگان» است. آثار معروفی به پنج دسته تقسیم می شود؛ رمان، مجموعه داستان، شعر و مقالات و نمایش‌نامه. وی رمان‌های سمفونی مردگان(۱۳۶۸)، سال بلوا(۱۳۷۱)، پیکر فرهاد(۱۳۸۱)، فریدون سه پسر داشت(۱۳۸۲)، ذوب شده(۱۳۸۸)، تماما مخصوص(۱۳۸۹) و نام تمام مردگان یحیاست(۱۳۹۷) را به رشته نگارش در آورده است. از این میان سمفونی مردگان مورد بحث و بررسی بسیاری از صاحب نظران قرار گرفته است و این اثر را شبیه داستان های خشم و هیاهو نوشته ویلیام فاکنر می‌دانند.

عباس معروفی بیشتر رمان‌های خود را به سبک سیال ذهن می‌نویسد و معتقد است هر اثری باید ساختار و سبک خودش را داشته باشد. وی سعی کرده کتاب‌هایش تکراری نباشد و همچنین در دیگر موارد کوشیده خودش باشد و دنباله‌رو هیچ فرد یا گروهی نباشد. مکاتب ادبی و سبک‌های نوشتاری برای او اهمیت چندانی نداشته‌اند و برای نوشتن از غریزه‌اش بهره گرفته است. معروفی در شخصیت‌پردازی و تلاش برای القا حس واقعی در شخصیت‌هایش وسواس زیادی به خرج می‌دهد و از همین رو خوانندگانش همواره شخصیت‌های رمان‌های معروفی را باورپذیر دانسته‌اند. زبان و سبک نوشتن رمان‌هایش فاقد جذابیت نثر و نوآوری‌های نگارشی است.

۲-۴- معرفی سمفونی مردگان

رمان سمفونی مردگان در رده رمان‌های مدرن قرار دارد؛ هرچند خالی از مولفه‌های سنتی نیست. سمفونی مردگان رمانی بسیار تراژدیک و غم‌انگیز است که به دلیل توان بالای نویسنده در پرداختن به زندگی شخصیت‌های داستان در ذهن مخاطب ماندگار خواهد ماند. نوع روایت معروفی در سمفونی مردگان منحصر به فرد است. رمان شیوه چند راوی و جریان سیال ذهن و ساختاری سمفونیک و موسیقیایی دارد که به چند موومان تقسیم شده است. موومان‌ها به تناسب نام داستان یادآور حرکت جمعی و ساختارمند و هدفمند هر یک از نوازندگان سمفونی(اورهان، آیدین، سورمه و ...)است. موومان‌ها هر کدام درون‌مایه وجودی شخصیت‌ها را بیان می‌کنند. معروفی می‌گوید: «شخصیت‌ها در ذهن من سازه‌بندی شده‌اند. معلوم است که کدام یک ویولن می‌نوازد،کدام ساز بادی وکدام طبل.» جان‌مایه اصلی این رمان تم اساطیری برادرکشی است.

معروفی رمان را به صورت طرحی مدورشکل داده است که این حرکت مدور در حقیقت از فرم زندگی بشر الهام می‌گیرد، حرکتی مدور از تولد تا مرگ. فرم درونی رمان بدین شکل است که ریتم و ضرب‌آهنگ موومان‌های رمان به ترتیب عبارتند از: تند، کند، تند، ملایم. درون‌مایه و زمان(جریان سیال ذهن) موومان‌ها به ترتیب به این صورت متجلی می‌شود: موومان اول تلفیق روایت راوی با تداعی‌های اورهان و در زمان حال شکل می‌گیرد. این بخش نقطه اوج رمان است؛ چون که با عزم اورهان به تحریک ایاز پاسبان برای رفتن و کشتن آیدین با ضرب‌آهنگی

سریع و تند رخ می‌دهد. موومان دوم شرح زندگی آیدین از کودکی تا جوانی است که ضرب‌آهنگی کند دارد که روایت محض است. موومان سوم بیانگر عشق آیدین و سورملینا است که ضرب آهنگی کند دارد. موومان چهارم که شامل تک‌گویی‌های هذیان‌گونه آیدین است و سال‌های یکنواخت زندگی آیدین را در جنون و انزوا نشان می‌دهد که شگرد جریان سیال ذهن در اینجا به اوج می‌رسد. در موومان یکم قسمت دوم که در پایان کتاب آمده است، زبان دراماتیک را بیان می‌کند که قوس صعودی رمان در این موومان نزول پیدا می‌کند و به نقطه اول بازمی‌گردد.

زاویه دید در سمفونی مردگان کاملا پیچیده و ابتکاری است. موومان اول دو بخش است که نوع اول سوم شخص راوی حال است که درون گراست و درون اورهان را روایت می‌کند و نوع دوم، اول شخص راوی گذشته است. موومان دوم دانای کل، سوم شخص است و شامل آیدین، اورهان، یوسف، خواستگاری آیدا و رخدادهایی است که درون گرا است، رها از (من)اورهان و ورود به دنیای دیگران. موومان سوم روایت از ذهن سورملینا از طریق ذهن آیدین و موومان چهارم راوی اول شخص(تک‌گویی‌های آیدین به دلیل اینکه از همه کس رانده و مانده و هم‌زبانی جز خود ندارد. هنرمندی خاص معروفی در آخر کتاب(بخش دوم از موومان یکم) بدین شکل که با شگردی آمیخته از روایت و تداعی‌ها، تمام گره‌های رمان را یکی یکی باز می‌کند و مدور بودن رمان را برجسته می‌نماید.

این اثر ادبی ماندگار در سال ۲۰۰۱ برنده جایزه بنیاد انتشارات ادبی فلسفی سورکامپ شده است. همچنین هفته‌نامه دی ولت سویس درباره این رمان گفته است: «قبل از هر چیز باید گفت که سمفونی مردگان یک شاهکار است.» حدود نیم میلیون نسخه از این کتاب در جهان به فروش رسیده است و به زبان‌های آلمانی، انگلیسی، ترکی استانبولی، ترکی آذری و کردی ترجمه شده است.

۱-۴-۲- خلاصه سمفونی مردگان

سمفونی مردگان داستان دو برادر به نام‌های آیدین و اورهان است. برادر بزرگ‌تر(آیدین) علاقه‌مند به درس خواندن است، اما پدر به این کار راضی است که او این راه را دنبال کند و برادر کوچک‌تر(اورهان) به دنبال برآورده کردن آرزوی پدر و دنبال کردن راه او(تجارت پیشگی) است. دختر خانوده آیدا، خواهر دوقلوی آیدین است. او دختری کم‌حرف و فرمانبردار است که زندگی‌اش در خانه پدری تنها به آشپزخانه محدود می‌شود و چند سال پس از ازدواج دست به خودکشی می‌زند. بزرگ‌ترین فرزند این خانواده که یوسف نام دارد، در جریان حمله روس‌ها به فلج جسمی و روانی دچار می‌شود و به زندگی نباتی خود ادامه می‌دهد. پدر(جابر اورخانی) مخالف سرسخت فعالیت‌های آیدین است، مدام از او ایراد می‌گیرد و نمی‌خواهد پسرش به آنچه علاقه دارد، بپردازد و در این راه از هیچ فعالیتی فروگذاری نمی‌کند تا بدان‌حد که تمام کتاب‌های آیدین را آتش می‌زند و نابود می‌کند. اورهان همانند پدر مخالف سرسخت عقاید آیدین است؛ اما مادر خانواده در جنگ میان پدر و آیدین هوادار آیدین و مخالف رفتارهای پدر است که همین سبب حسادت و کینه اورهان نسبت به آیدین می‌شود.

با بزرگ‌تر شدن دو برادر قاصله آن دو از هم، هر روز بیشتر می‌شود. اورهان هرچه بیشتر به پدر نزدیک می‌شود، آیدین درون خانه پناه می‌برد. در نهایت آیدین که نمی‌تواند فشارهای پدر و اورهان را تحمل کند، خانه را ترک می‌کند و با کمک فروزان(خانم همسایه) در کارخانه چوب‌بری آقای میرزاییان مشغول به کار می‌شود و پس از آن که ایاز با چند نفر امنیه وارد کارگاه می‌شوند، با همکاری آقای میرزاییان در خانه او(آقای میرزاییان) مخفی می‌شود. آیدین در آنجا عاشق دختر زیباروی ارمنی(سورملینا) می‌شود و پس از گذشت دو سال به عقد یکدیگر درمی‌آیند. در این هنگام پدر فوت می‌کند و او موظف است که طبق وصیت پدر راه او را ادامه دهد. به همین خاطر به خانه باز می‌گردد. این بازگشت موجی از کشمکش و درگیری با برادر را به دنبال دارد؛ اما آیدین که توانسته با کمک همسرش بر افسردگی خویش پیروز شود، با ضربه مرگ آیدا و سورمه دوباره به همان دوران ناامیدی درون خود پناه می‌جوید، امید خود را از دست می‌دهد، عصبی است و دست از رویاها و آرزوهای دور و دراز خود برمی‌دارد؛ اما اورهان که بر سر محبت مادر حسادت دیرینه‌ای نسبت به آیدین دارد، او را مسموم می‌کند. آیدین بعد از این روان‌پریش می‌شود و ذهنی مشوش دارد. اورهان(که قبل از این برادرش یوسف را هم کشته‌است)، پس از اینکه متوجه می‌شود که آیدین دختری دارد، به دلیل آزمندی و زیاده‌خواهی تصمیم می‌گیرد آیدین را به قتل برساند؛ اما دچار سرما و عذاب وجدان می‌شود و سرمای سخت امکان حرکت را از او می‌گیرد.

اورهان که دچار روان‌گسیختگی شده، با مرور خاطراتش و ستم‌هایی که در حق برادران و مادرش کرده است، ارتباط خود با واقعیت از دست می‌دهد و بدون آنکه از گام برداشتن خود آگاهی داشته باشد، به سمت شورابی که زیر برف فرو رفته، حرکت می‌کند و ناگهان در آب غرق می‌شود.

۵-۲-تحلیل رابطه گفتمان اخلاقی متن با شیوه بیان در سمفونی مردگان

عباس معروفی در سمفونی مردگان به موضوعات اخلاقی متنوعی با شیوه بیانی که در گفت وگوها عمیق و گویا بیان می‌شود، به شکلی هنرمندانه می‌پردازد. در این شیوه بیان، نویسنده با روایت مفاهیم اخلاقی پسندیده و ناپسند در قالب شخصیت‌های داستانی سعی می‌کند این انسان‌ها را به مخاطب معرفی می‌نماید. در فحوای متن مخاطب قادر است به ریشهٔ این فضایل یا رذایل اخلاقی در گذشتهٔ این شخصیت‌ها و ارتباط آنها و انسان‌های دیگر پی ببرد و به تبع آن رفتارها و کنش‌هایی که از جانب شخصیت‌ها بروز پیدا می‌کند، خواننده را با ابعاد شخصیتی افراد داستان بدون اشاره مستقیم آشنا سازد. شگرد نویسنده در به تصویر کشیدن مؤلفه‌های اخلاقی پسندیده و صفاتی در تقابل آنها کاملا به چشم می خورد؛ مانند در تقابل آوردن علم و جهل، عشق و شهوت، مهربانی و تنفر، احترام با بی‌احترامی و غیره و به شکلی جدال خیر و شر را در ذهن تداعی می‌کند. مخاطب می تواند در این اثر به مولفه‌های اخلاقی زیر پی ببرد.

۱-۵-۲- حسدورزی

در پیدایش حسادت می‌تواند زمینه‌ها و دلایلی وجود داشته باشد، از جمله تبعیض و نابرابری، عقدهٔحقارت، عدم اعتماد به نفس. حسادت زمینه‌ساز بسیاری از بی‌اخلاقی‌ها چون دروغ‌گویی، تهمت و افترا، غیبت و تخریب شخصیت دیگران و ... می گردد. در رمان مشاهده می‌شود اورهان نسبت به آیدین بر سر تصاحب محبت مادری حسادت می‌ورزد و برای جبران این کمبود محبت مادر در وجود خویش در پی جلب توجه و محبت پدر گام برمی‌دارد.

> «پدر گفت:آیدین چرا نمازت قضا شد؟ تادیروقت بیدار بودم. من(اورهان)تند دویدم، وضو گرفتم، یک نماز بلند بالا در اتاق پدر خواندم.» (معروفی،۱۳۹۶: ۳۶)

اما هیچ‌گاه توجه پدر به اورهان جایگزین مهر مادری نمی‌شود و تا زمان بزرگسالی نیز اورهان در حسرت عشق مادر می‌سوزد.

> «مادر گفت:«آیدین من کجاست؟» من پلک زدم، خیره به گل‌های قالی یا شاید به هیچ چیز، من هم اورهان او بودم و نبودم و هیچ کاریش هم نمی‌شد کرد. قبول کرده بودم که نباشم.»(همان:۱۹و۲۰)

رفتار دیکتاتورانه پدر و بی‌توجهی او به سلیقه فرزندان و رفتارهای تحقیرآمیز نسبت به آنها نقشی مخرب و پررنگ در شکل‌گیری بعد منفی شخصیت اورهان دارد. اورهان سعی می‌کند با یاری جستن از روش‌های سازگارانه در مواجهه با پدر برای دفع شر او(پدر) تلاشی انجام دهد و خود را تابع او معرفی کند. حسادت زمینه‌ساز بیشتر واکنش‌های پلید اورهان در جای جای رمان است تا آنجا که زمینه برادرکشی و نسل‌کشی در خانواده را در وجود او بنیان می‌گذارد.

> «وقتی به خانه رفتیم، با دیدن مادر شروع کرد به اشک ریختن، می‌دانستم که می‌خواهد مادر را عذاب بدهد و مادر برای این که مرا عذاب بدهد، دست انداخت گردنش و بوسیدش، موهاش را شانه زد، پیراهنش را عوض کرد و من که بر درگاه اتاق ایستاده بودم، دلم مالش می‌رفت، نمی‌دانستم چه کار کنم.» (همان:۳۱۵) «آن مادر مهربان که همه محبتش را شش دانگ به اسم آیدین انگشت زده بود، حتی یک بار هم نگفت:«اورهان من»(همان:۲۴)

۲-۵-۲- برادرکشی

واقعه برادرکشی به عنوان یک رذیلت اخلاقی نکوهش‌شده با تأسی از(داستان هابیل و قابیل) در ادوار مختلف و اشکال متنوع تکرار شده است که متعارف‌ترین ریشهٔ آن حسادت است. برادرکشی با حسادت تهاجمی نسبت به هر کسی که بتواند احساس برتری برای به دست آوردن مزایا و مدایح نشان دهد، شکل می‌گیرد. «بودن» یادآور می‌شود که«رقابت برادرانه در منشأ بسیاری از احساسات به اصطلاح اجتماعی بزرگسالان وجود دارد و به‌ویژه علاقه‌مندی بی‌حد به عدالت یکسان برای همه که گونه اعتلایافته رقابت برادرانه است.»(موکی یلی،۱۳۷۱:۷۱) آن‌جا که آیدین به زور پدر به حجره می‌رفت و چنان بر کار مسلط شد که در مدت دو ماه توانست به تمام حساب و کتاب پدر بپردازد، این پیشرفت آیدین موجب حسادت اورهان می‌شد.

> «اورهان رنج می‌برد، حسادت می‌کرد و می‌خواست که آیدین به همان درس وکتابش علاقه‌مند باشد.»(همان:۱۲۰)

یکی از ریشه‌های برادر کشی آز و زیاده خواهی است که ناشی از خودخواهی است. در سمفونی مردگان به شکل بارزی به این نکته اشاره می‌شود. آنجا که اورهان پی می‌برد آیدین دختری دارد که از نسل پدر است و در میراث پدر سهم می‌برد، ذهن اورهان را به این سمت سوق می‌دهد که برادر را بکشد.

«کشیش گفت: «اسم برادر شما آیدین اورخانی است؟» اورهان گفت: «بله» -:«او یک دختر پانزده‌ساله دارد که اسمش المیرا اورخانی است و اسم مادرش سورملیناست.» «نسل پدر ادامه یافته بود و داشت سر از جایی درمی‌آورد که انتظارش را نداشتم و من(اورهان) از همان وقت به فکر افتادم که کارش را بسازم، با هر وسیله ای که بتوانم.»(معروفی،۱۳۸۸: ۳۳۸-۳۳۹)

در شخصیت اورهان آزمندی و برادر کشی مرزهای گسترده‌ای دارد و او حتی به نسل‌کشی می‌اندیشد تا با مرگ تمام هم‌خون‌هایش بتواند سهم کامل ماترک پدر را به نام خویش کند. اورهان نخستین بار زمانی مرتکب برادرکشی شد که برادرش یوسف را کشت.

«به اطراف نگاه کردم، یک سنگ بسیار بزرگ برداشتم، بالای سرش ایستادم. سنگ را با دو دست بلند کردم و چنان به کله‌اش کوبیدم که حس کردم چیزی زیر دستم فرو نشست. مغزش از گوشه چپ زده بود بیرون و چشم‌هایش همان جور وق زده و خیره مانده بود. با دست خاک ریختم. روی جسدش را خوب پوشاندم.»(همان:۲۹۵)

۳-۵-۲-تجلی مهرورزی بین اعضای خانواده

کانون خانواده در تمام فرهنگ‌ها حریمی امن و جایگاهی برای لمس آرامش وشادی است؛ اما در سمفونی مردگان جلوه‌های متعارضی از رفتارهای صمیمی و دشمن‌کیشانه چشمگیرند و مخاطب این همه اختلاف در شکل عاطفی بین اعضای خانواده را محسوس و ملموس می داند. این مقوله(محبت) در آن قسمت از رمان که خانواده برای گذراندن اوقات خوش به شورابی می‌روند، نمود یافته است.

«پدر، آیدین را بر شانه‌اش نشانده بود و در شور آبی فرو می برد. وقتی پاهاش(آیدین)در آب می رفت و سرما و خوشی قشنگی او را می خنداند؛ گوش‌های پدر را می کشید و فریاد می زد: «جابر!» پدر از روی شانه او را واکند، بغلش کرد، چشم هایش را بوسید و زیر گلویش را بوسید. مادر گفت: «پدر تورا(آیدین)خیلی دوست دارد. می‌بینی؟» آیدین گفت:«نه». مادر دستی هم به سر آیدا کشید که بالا سر اورهان نشسته بود و لبخند زنان با حسرت به پدر و آیدین نگاه می کرد. مادر گفت: «آیدا را هم خیلی دوست دارد.»(همان:۱۱۶) «مادر همچنان معتقد بود او بچه‌هایش را خیلی دوست دارد و هیچ پدری این همه بچه‌هایش را دوست ندارد، فقط کمی سختگیر است.»(۱۱۶)

تصویرهای مهرورزی در روابط(آیدا وآیدین) و (آیدین و مادر)درخشش خاصی دارد.

«آیدین گفت باور کن آیدا وقتی چشمهات بسته بود، مثل فرشته ای بودی که چشمهاش بسته است.»(همان:۱۳۶) «آن شب آیدا تب کرد و هذیان گفت، پدر مچ دست آیدا را گرفت که ببیند، تب دارد یا نه؛ اما آیدا جیغ کشید: «به من دست نزن» مادر گفت: «چرا از پدر می‌ترسی؟ مگر پدر ترس دارد، دختر؟» او را در رختخوابش خواباند و پتو را روی شانه‌هاش کشاند.»(۱۳۶)

۴-۵-۲-عشق به وطن و سرزمین

از پیامبر اسلام نقل شده است: «حُبُ الوَطَن مِن الایمان» هر انسانی به دلیل گرایش‌های نوستالژیک، سرزمین مادری اش را چون جان و دل عزیز می‌دارد و برای غم و شادی‌های مردم سرزمین اش همواره دل و جانش می لرزد. سمفونی مردگان به لحاظ تاریخی با واقعه جنگ جهانی دوم مصادف است. صحنه ایی از حضور دشمن در خاک میهن به تصویر کشیده شده است و این رویداد سبب ساز دغدغه و دلهره شخصیت‌های مختلف داستان(حتی شخصیت‌های منفی داستان) می شود. نکته جالب آن جاست که حتی افرادی که در داستان به انواع رذایل اخلاقی آلوده‌اند، در مقوله عشق به میهن با آیدین، شخصیت روشن‌فکر و شاعر مسلک رمان همسو هستند.

«پدر گفت:«من ایرانی ام، دلم برای مملکتم می‌سوزد؛ اما ببین چه وضعی شده که آدم راضی می‌شود بیایند بگیرند و از بدبختی نجاتش بدهند.»(همان:۹۷)

۵-۵-۲-پایبندی به دین و مذهب

انسانهای مقید به دین و مذهب دارای ایمانی قابل ستایش هستند؛ زیراکه ایمان واقعی و باورهای دینی عمیق سبب پرورش فضایل اخلاقی در وجود انسان می شود و رذایل اخلاقی را در وجود او کم‌رنگ می‌کند. مخاطب در فحوای جملات و عبارات این رمان شاهد رفتاری است که حاکی از پایبندی شخصیت‌های رمان به دین اسلام و مسیحیت است، اگرچه گاه این رفتار دینی در تضاد با رفتار فرد در رمان بسیار سطحی به نظر می‌آید.

بعد از خورشیدگرفتگی«پدر گفت: «باید نماز آیات بخوانیم.» به اتاق بازگشتیم و نماز خواندیم.»(همان:۵۴) «پدربزرگ چند روز در خانه جابرش ماند و بعد به ارومیه بازگشت. دو سال بعد در لحظه آخری که رو به قبله تربت به حلقش می‌ریختند، به بچه‌هایش گفت: «نگذارید حقتان را بخورند.»(همان:۸۳) «آن‌سال، سال کلاغ ها بود، کلاغ‌های سیاه خدا ریخته بودند در شهر. مادر روزی سه چهار قالب صابون پیدا می کرد. می گفت: حرام است، آخر معلوم نیست مال کدام بدبختی است.»(۳۳)

در تقابل این مقوله، روی آوردن به اوهام و خرافات و باورهای غلط دینی محسوس است.

«خورشید به قرص خونینی بدل شده بود و غبار سیاه رنگی اطرافش را پوشانده بود. مادر زیر لب ورد می خواند و با صدای محزونی گریه می کرد. من(اورهان)گفتم: «یا ابوالفضل». پدر دعایش را قطع کرد وگفت: «این بلاست که نازل شده، می‌دانید معنی این چیست؟»کف دودستش را نشان داد و با حالتی تب‌زده گفت: «ما خون کرده ایم؟» مادر گفت: «استغفرالله» پدر گفت: «این اعمال ماهاست. اعمال ما و بچه هامان. خدایا تو نخواه.»(همان:۱۷۳)

۶-۵-۲-محرک به شر بودن شخصیت ایاز

گاهی برخی از افراد خود دست به سیاهکاری در شکل مستقیم نمی‌زنند؛ اما سعی می‌کنند با ترفند کلام، دیگران را که معمولا استقلال فکری ندارند، تحت تأثیر خود قرار داده، آنها را برای انجام خطاهای غیر انسانی تشویق و ترغیب نماید. در سمفونی مردگان ایاز نمود کامل این شکل از شخصیت است که شخصیت بوسهل زوزنی را به ذهن متبادر می‌سازد: (این بوسهل مردی امام زاده و محتشم و فاضل و ادیب بود؛ اما شرارت و زعارتی در طبع وی مؤکد شده است و با آن شرارت دلسوزی نداشت و همیشه چشم نهاده بودی تا پادشاهی بزرگ و جبار بر چاکری خشم گرفتی و آن چاکر را لت زدی و فرو گرفتی. این مرد از کرانه بجستی و تضریب کردی و المی بزرگ به این چاکر رساندی.) (بیهقی،۱۳۸۱:۲۸۴)

جلوه‌های از این شخصیت اغواگر (ایاز)در رمان برای نمونه آورده می شود:

«و حالا در سکوت و سرمای مانده اتاق‌ها اورهان نبود که بخزد زیر لحاف چرک مرده و خیال کند می تواند راحت بخوابد. نه. همه آدم‌ها مرده بودند و این آخری. گفت: کلک این یکی را هر جور شده باید کند.» ایاز گفت: «پس معطل چی هستی؟پس برو، من مثل شیر پشت سرت ایستاده ام. آب از آب تکان نمی خورد، نگاه نکن که پیر شده ام، من هنوز ایاز پاسبانم...»(همان:۱۳)

۷-۵-۲- ارزش قائل نبودن برای آزادی انسان‌ها

در بسیاری از رمان‌ها و داستان‌های معاصر به دلیل شرایط حاکم بر فضای داستان زورگویی افراد و شخصیت‌هایی دیده می‌شود که به سلب آزادی برخی از کاراکترهای داستان می انجامد. ژانر این رمان نیز با توجه به کاراکتر پدر و شخصیت زورگوی وی سبب شده آزادی فرزندان از آنها سلب گردد و برای برخی از افراد داستان این مساله نمود یابد. زورگویی‌های پدر به آیدین و جلوگیری از او در شعر گفتن و کتاب خواندن جلوه‌هایی بر این مدعاست. پدر کتابخانه آیدین را که نماد روشنفکری در این رمان است، آتش می‌زند.

«هوا گرگ و میش شد، پدر بی آنکه با کسی حرف بزند، به حیاط رفت و درست در لحظه ای که خورشید از تیرگی در آمد، آن اتاق را (اتاق آیدین) با تمام اثاثیه وکتاب‌هایش به آتش کشیدو می‌گفت: «این روح شیطان است که می-سوزد.»(همان:۱۷۴)

اراده و آزادی زن در این رمان به دیده حقارت نگریسته شده و حکومت مردسالارانه ای بر شخصیت پدر سایه افکنده است.

«آبادانی‌گفت: «می‌دانم، آداب و رسوم باید در نظر گرفته شود؛ اما من آدم روراستی هستم. فقط خواهشی دارم.» پدر گفت: «بفرمایید» آبادانی گفت: «اگر ممکن است فقط یک نظر من آیدا خانم را از دور ببینم و مرخص بشوم.» پدر از جا برخاست. گفت:«ممکن نیست» و از اتاق بیرون رفت. آن وقت دید که مادر و آیدا در راهرو بالا گوش ایستاده اند. دست هر دوشان را گرفت و با سرعت کشیدشان پایین.»(همان:۱۳۱-۱۳۲)

«(آیدا) در آشپزخانه تنها غذا می خورد، تنها می نشست، تنها می‌پخت، تنها می خوابید و کلفت غریبه ای را می‌مانست که مبتلا به جذام باشد.»(همان:۹۰)

۳-نتیجه بحث

با توجه به این مساله که خوانش متن ادبی با رویکرد نقد اخلاقی می تواند براساس تشخیص مفاهیم ضمنی و مستتر اخلاقی با ساختار زیبایی شناسانه شکل گیرد، می توان با دریافت مضامین اخلاقی ژانر ادبی به شگردهای روایی خالق اثر پی برد. معروفی یکی از این نویسندگان است که با توجه به روساخت داستان هایش به ساختار درونی روایت داستانی خود نیز می پردازد و جنبه های اخلاقی و غیراخلاقی رویدادها را نیز تقویت می سازد. کاراکترهای «سمفونی مردگان» با شخصیت پردازی قوی که نویسنده به آن دست یازیده، بر طرح غالب شده و در این اثر اثرپذیری جامعه بیمار بر فساد اخلاقی شخصیت در تجسم ذهن و روان پریش و آشفته وی نمود یافته است. کنش های اخلاقی و غیراخلاقی شخصیت های داستان نیز با شگرد خاص نویسنده به صورت مستقیم و غیرمستقیم نمایش داده می شود. گفتمان اخلاقی در «سمفونی مردگان» از نظر ساختار بیانی و شخصیت پردازی مستقیم و غیرمستقیم که معروفی به آن دست زده است، انسان هایی را به مخاطب معرفی می کندکه مانند شخصیت آیدین از زندگی تؤام با فضایل اخلاقی همچون روشنفکری، بزرگ منشی، آزادگی و هنرمندی برخوردار است یا همچون کاراکتر اورهان که مجموعه‌ای از ناپسندهای اخلاقی را با خود یدک می‌کشد، حسدورزی و برادرکشی پررنگ ترین جلوه این رذایلند. به نظر می‌رسد فضایل و رذایل اخلاقی در این رمان در تعارضند و نوعی ستیز بین خیر و شر مشاهده می‌شود. می‌توان از میان سطرهای شخصیت‌پردازی معروفی ریشه برخی از رذایل اخلاقی را جستجو کرد. شخصیت ایاز پدر را ترغیب می‌کند تا رفتار ناپسند را در او تشدید نماید. آزمندی، حرص و شهوت‌رانی، اعتقاد به باورهای خرافی، تبعیض و ناسزا گویی و... در کنار حسادت و برادر کشی داستان را به عرصه‌ای برای نمایش انسان‌های منفی با خصایل اهریمنی مبدل ساخته است؛ اگر چه فضایل اخلاقی کم‌رنگ‌تر در رمان به چشم می خورد، عشق به میهن، خانواده دوستی و پایبندی به اعتقادات از این دست صفاتند که نمود یافته اند.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- اسلامی ندوشن، محمدعلی(۱۳۷۰) جام جهان بین(در زمینه نقد ادبی و ادبیات تطبیقی)، تهران: جامی
- امامی، نصرالله(۱۳۹۳) مبانی و روش های نقد ادبی، تهران: جامی
- بیهقی، ابوالفضل(۱۳۸۱) کلیله و دمنه، تهران: آگاه
- پور حسینی، ابوالقاسم(۱۳۸۱) اخلاق نیکو ماخوس، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- حیاتی، زهرا(۱۳۹۴) تحلیل رابطه گفتمان اخلاقی متن با شیوهٔ بیان در دو اثر غلامحسین ساعدی، فصلنامه علمی-پژوهشی«پژوهش زبان و ادبیات فارسی»، شماره ۳۷
- خراسانی، محبوبه، افسانه اخوت(۱۳۹۲) تجلی اخلاق در ادبیات، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ۳
- طوسی، ابوجعفر محمدبن محمد خواجه نصیرالدین(۱۳۹۶) اخلاق ناصر، تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری تهران: خوارزمی
- دستغیب، سید عبدالحسین(۱۳۷۶) گناهان کبیره، قم: دفتر انتشارات اسلامی
- زرین کوب، عبدالحسین(۱۳۸۸) آشنایی با نقد ادبی، تهران: سخن
- رزمجو، حسین(۱۳۷۰) نقد و انواع آن(نقد اخلاقی)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال جامع علوم انسانی، شماره۳، صص ۵۵-۵۹
- طغیانی، اسحاق، حافظ حاتمی(۱۳۹۰) رابطه ادبیات با رویکردی به آثار نظامی گنجه‌ای، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، شماره دهم، صص ۶۳-۸۲
- علوی‌مقدم، مهیار(۱۳۸۳) «شاعر کیست و شعر متعهد چیست؟»، فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، صص ۱۸-۹
- مطهری، مرتضی(۱۳۹۵) فلسفه اخلاق، تهران: صدرا
- معروفی، عباس(۱۳۹۶) سمفونی مردگان، تهران: ققنوس
- موکی‌یلی، روژه(۱۳۷۱) عقده‌های روانی، محمدرضا شجاع، تهران: آستان قدس رضوی
- هویینیش، استیون(۱۳۹۰) «تئوری اخلاق گفتمانی هابرماس»، مترجم شروین طاهری، فصلنامه فردوسی شماره ۸۹-۸۸، صص۶۵-۶۴